

بازتاب اندیشه مانویت در شاهنامه فردوسی و در نگاره به دار آویختن مانی در شاهنامه بزرگ ایلخانی

ترگس خاتون طغان^۱، علیرضا خواجه احمد عطاری^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۰۷، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۰۲

Doi: 10.22034/rac.2024.2025952.1074

چکیده

شاهنامه اثر بزرگ حماسی از شاعر مشهور فردوسی بوده که بارها توسط نگارگران ایرانی به تصویر کشیده شده است. در میان شاهنامه‌های مصور، شاهنامه بزرگ ایلخانی در نوع خود از اهمیت فراوانی برخوردار بوده است. از سوی دیگر آیین مانی یکی از آیین‌های بزرگ و در عین حال چالش برانگیز بوده که بر اساس خیر و شر، نور و تاریکی، و بر دوگانگی مطلق میان ماده و روح، بنا شده است. از سوی دیگر فردوسی در شاهنامه به روایت داستان مانی و به دار آویختن وی پرداخته و اشاراتی به تفکر مانوی و نگرش خود نسبت به ثنویت انگاری مانی داشته است. در این میان نگارگر، نگاره به دار آویختن مانی را با تأثیر از شعر فردوسی به تصویر کشیده است. بر این اساس این سؤال طرح شده که تقابل تفکر مانی و فردوسی در نگاره به دار آویختن مانی چگونه نشان داده شده است؟ این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی و گردآوری داده‌ها و به وسیله مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای بوده است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که نگارگر با استفاده از اشعار شاهنامه که به صورت تقابل‌های دوگانه نور و ظلمت، شب و روز، غم و شادی، آشوب و آرام و... طرح شده، تلاش نموده صحنه به دار کشیدن مانی را با استفاده از عناصر دوتایی به تصویر درآورد. گویی نوعی همزاد پنداری میان نقاش و شاعر رخ داده است و نیز از سویی نوعی تقابل میان اندیشه شاعر و اندیشه دو بن گرایی مانی به تصویر کشیده شده است.

کلیدواژه‌ها: نگارگری، شاهنامه بزرگ ایلخانی، آیین مانوی، فردوسی، مانی

۱. کارشناسی ارشد هنر اسلامی، دانشکده صنایع دستی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.
Email: n.toghan@yahoo.com

۲. دانشیار گروه صنایع دستی، دانشکده صنایع دستی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول).
Email: alirezaattari@yahoo.com

مقدمه

ظهور مانی همزمان با دوره ساسانی بود. او در ابتدا به کیش پدر و نیاکان خود بود اما اندکی بعد با الهاماتی که بر وی وارد شد آئین گذشته خود را رها نموده و پایه‌های دین خود را بنا نهاد. مانی، شاپور ساسانی پادشاه وقت را به دین خود دعوت نمود. شاپور جلسه مناظره‌ای ترتیب داد و در آن موبدان و مانی را دعوت کرد. مانی را محکوم نموده و بنا بر برخی منابع پس از تحمل دوران حبس در زندان بر اثر رنج فراوان جان سپرد و جسد او را به دار آویختند. بهرام اول پادشاه ساسانی تنها دستور زندانی کردن مانی را داد و مانی از سر حيله و نیرنگ کرتیر^۱ و موبدان دیگر در اثر ضعف بدنی و شکنجه‌های بسیار در زندان از دنیا رفت اما فردوسی بر طبق ذهنیات خود آن را به دستور شاه مربوط نموده است. در کتاب زبور مانی قطعه‌ای با نام حبس، شکنجه و شهادت مانی وجود دارد که این‌گونه بیان می‌دارد: روزگاری چند ترس را بر خود هموار نمودی تا از تبار مردان وحشی بریدی و پس از تحمل بیست‌وشش شبانه‌روز در غل و زنجیر در نهایت تو ای خداوندگار مانی در روز دوشنبه به شکوه پیروزی رسیدی. در روایت زبور بعد از مرگ مانی موبدان دستور دادند که سر او را از تن جدا نموده و از دروازه شهر جندی‌شاپور بیاویزند. اما در روایات معروف دیگر پس از مرگ مانی پوست او را کردند و از کاه پر نمودند و بر دروازه جندی‌شاپور آویزان نمودند. فردوسی نیز بر اساس روایت آخر اشعار خود را سروده و نگارگر نیز به تاسی از شاهنامه آن را تصویرسازی نموده است (درویشی و بختیاری، ۱۳۹۴، ۵۰۹ و ۵۱۰). مانویت یکی از کهن‌ترین ادیان است که ریشه در کیش گنوسی و پیروان مغتسله دارد. از ویژگی‌های مهم آیین مانی، آگاهی، خرد و معرفت نام برده می‌شود و در این کیش جنبه عرفانی مورد توجه بیشتری بوده است. مانویت آیینی برگرفته از کیش گنوسی بود. در این آیین به ثنویت بین روح و ماده اعتقاد داشتند. نگرشی دوجهبی که هم بعد مادی و هم بعد معنوی داشت. در این کیش، روح را معادل معنویات و نیکو دانسته و منبع آن را نور جاودانه می‌دانستند. در مقابل، ماده را بد و شر قلمداد می‌نمودند. رستگاری هنگامی در انسان به وجود می‌آید که او بر آمیختگی این دو بن آگاه گردد. این شناخت و آگاهی نقطه شروع رستگاری است و در این مرحله روح از ماده رها شده و به سوی منبع راستین خود حرکت می‌کند (بوآخیم کلیم کایت، ۱۳۹۶: ۴۷). مانی تصمیم داشت که دینی جهانی و بزرگ را به وجود آورد و به همین دلیل مبلغانی دینی که بسیار وفادار بودند را برگزید و به گوشه‌گوشه جهان گسیل

نمود تا مانویت را ترویج نمایند. این مبلغان به مردم آموزش می‌دادند که همه گناهان از زبان و دل و دست هستند پس باید مراقب اعمال و رفتار و گفتار خود باشیم. مانویت مجموعه‌ای از حقایق دینی مسیحیت، زرتشت، بودا در شکل و قالب دیگری بود (سعیدی، ۱۳۹۸: ۱۱۹). برخلاف مرقیون^۲ که راه سعادت و رستگاری را ایمان و فیض الهی می‌دانستند، مانویان معتقد بودند که راه رسیدن به رستگاری معرفت، دانش و آگاهی است آنها جهان‌شناسی وسیعی داشتند اگرچه این جهان‌شناسی با اساطیر همراه بوده و ساختار پیچیده‌ای داشته از طرفی به دانش‌های دیگر از جمله نجوم نیز وابسته بود، عرفان مانی در بطن خود ریشه گنوسی داشت. مانی دانش، آگاهی و شناخت را بر سنت و ایمان ارجح می‌دانست. آگاهی و خردی که مانی بدان پایبند بود و بر آن تأکید می‌نمود، بر پایه اشراق بود. در حقیقت عرفان مانوی عرفانی روشنگر و بیدارگر بود و آدمی را از باطن حقیقی و راستین خود مطلع می‌ساخت. بدین شکل که در نظر آئین مانی همه چیز در این دنیا با نور و ظلمت همراه است. آنچه انسان را از گرفتاری در تاریکی نجات می‌دهد، معرفت و شناخت است. مانویت معتقد بود که بخشی از وجود انسان با روشنایی و بخشی دیگر با تاریکی همراه است آن بخش نورانی با خدای نور گوهری یکسان دارد که در زندان تن اسیر شده است. این بخش نورانی که در تن اسیر شده است نوس^۳ نامیده می‌شود و با گنوس^۴ برابر است و در صدر مسیحیت عارفان از آن سخن گفته بودند (اسماعیل پور مطلق، ۱۳۸۱: ۸۷ و ۸۸). دوره مغول شاهنامه‌های متعددی نگاشته و نگاریده شد. مهم‌ترین شاهنامه‌ای که در این دوره از سوی ایلخانان مغول سفارش داده شد شاهنامه بزرگی بود که با نام‌های شاهنامه بزرگ ایلخانی، ابوسعیدی، دموت، بهادری، مستوفی و رشیدی تصویرسازی شده است^۵. یکی از تصاویر این شاهنامه تک‌برگی است محفوظ در موزه رضا عباسی در تهران که به دار آویختن مانی را نشان می‌دهد و موضوع پژوهش حاضر است. داستان زندگی مانی و تبلیغ اندیشه مانوی که در نهایت منجر به مرگ و به دار آویختن وی شد در شاهنامه فردوسی بازگو شده و در عین حال که گفتگوی مانی با اردشیر و موبدان را نشان می‌دهد نوع نگرش فردوسی را هم در متن می‌توان جستجو کرد. بر این اساس این سؤالات مطرح است که نحوه برخورد فردوسی با داستان مانی چگونه بوده و چه تفاوتی با نگرش مانوی دارد؟ و نقاش این تقابل را چگونه در نقاشی‌اش نشان داده است؟ در این مسیر ابتدا در مورد ثنویت و گنوستیک و ارتباط آن با مانویت صحبت می‌شود در ادامه مختصری از هنر نگارگری مانی و

گسترش آیین مانی و در پایان به مرگ و سرنوشت او پرداخته است. کلیم کایت (۱۳۹۶)، در اثر خود با نام *هنر مانوی*، به موضوعاتی چون هنر مانوی، نگارگری مانی، کتاب‌نگاری مانوی و نگاره‌ها، دیوارنگاره، بیرق‌ها و ابریشم‌نگاره‌هایی که در دوره کیش مانویت کار شده، پرداخته است. بن‌مایه‌های هندی که در هنر مانوی وجود دارد و این موضوع به مدت اقامت مانی در هند مربوط می‌شود که به تفکرات و اندیشه‌های مانی تأثیر گذاشته و به هنر این دوره منتقل شده است. بهیچانی (۱۳۸۴)، در کتاب خود با عنوان *در شناخت آیین مانی* به بررسی و شناخت

پس از آن به معرفی *شاهنامه* بزرگ ایلخانی و عاقبت آن پرداخته خواهد شد. سرگذشت مانی در *شاهنامه* فردوسی و برداشتی که هنرمند نگارگر از متن شعر در نگاره خود داشته در قالب جدول مورد توجه قرار می‌گیرد. (جدول ۱)

پیشینه پژوهش

تحقیقات و پژوهش‌هایی در مورد زندگی مانی و آیین او انجام شده است. دکره (۱۳۸۰)، در کتاب خود با عنوان *مانی و سنت مانوی*، به زندگی مانی، آیین پدران، کیش مانوی و چگونگی

جدول ۱. عناصر نگاره به دار آویختن مانی در شاهنامه بزرگ ایلخانی (منبع: نگارندگان)

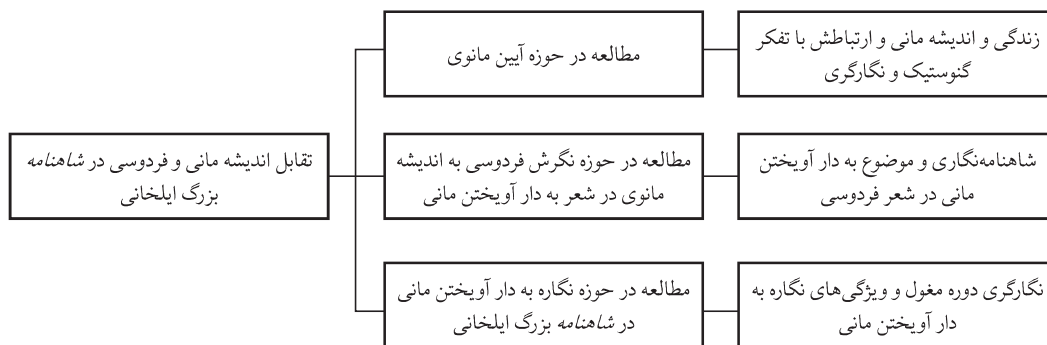
توضیح	تصویر	توضیح	تصویر
دو زن که به نظر می‌رسد شاهدان یا پرستاران بیمارستان یا شارستان باشند که از دو پنجره مجزا نظاره‌گر ماجرا هستند. بیاویختند بر در شارستان دگر پیش دیوار بیمارستان		- پوست مانی را کردند و آن را از کاه پر نمودند. پوست پر از کاه را از درخت آویزان نمودند و جسد بدون پوست بر روی زمین مشاهده می‌شود. رنگ جسد قرمز تر نشان داده شده است. همان پوستش آکنده باید به کاه بدان تا نجوید کس این پایگاه	 پیکره به دار آویخته مانی  پیکره بیجان مانی
دو پیاده که یکی مقام دار و در حال اشاره به پوست پر از کاه مانی به سواران است و دیگری با چوب‌دستی به جسد مانی ضربه می‌زند.		دو سواره که به نظر می‌رسد شخصیت‌های مقام دار باشند که سواره سبزپوش با چوب‌دستی به جسد مانی اشاره می‌کند.	 پیکره سوار بر اسب
دو در ساختمان که هرکدام نیز به دو بخش تقسیم شده‌اند و به عنوان دیوار بیمارستان و شهرستان شناخته شده‌اند.		دو درخت نخل که پوست پر از کاه مانی بر یکی از آنها آویخته شده است. بیاویختند بر در شارستان دگر پیش دیوار بیمارستان	 درخت

با نام «مانی شاهنامه زروانیست» به این موضوع می‌پردازد که در دوره‌ای که مانی عقاید دینی خود را عرضه کرد، بسیاری از جمله موبدان تصور می‌کردند که مانویان نیز چون زروانیان معتقدند که نور و ظلمت از وجود خداوند بیرون آمده است. در صورتی که مانویان نیز با این عقیده زروانیان مخالف بودند. موبدان مانویان را نیز همچون زروانیان مرتد و بدعت‌گذار می‌خواندند. عزیزی یوسف کند، مسرور و احمدی (۱۳۹۸)، در مقاله‌ای با عنوان «بررسی شاخصه‌های نگارگری مکتب تبریز ایلخانی با تأکید بر شاهنامه دموت» ویژگی‌های منحصر و شاخص مکتب تبریز در دوره ایلخانی را بر پایه شاهنامه دموت (شاهنامه بزرگ ایلخانی) مورد بررسی و مطالعه قرار داده‌اند. نحوی و غفوری (۱۳۸۹)، در پژوهشی با نام «نابرابری سرگذشت مانی در شاهنامه فردوسی با پژوهش‌های تاریخی» به شباهت‌ها و تفاوت‌های روایت فردوسی از مانی با تحقیقات تاریخی پرداخته‌اند. در پژوهش حاضر به موضوع بازنمایی اندیشه فردوسی و تقابل آن با مانویت در نقاشی به دار آویختن مانی که در شاهنامه بزرگ ایلخانی به تصویر درآمده توجه شده است.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های توصیفی - تحلیلی است. در پژوهش‌های توصیفی محقق به دنبال شناخت وضعیت موجود پدیده (در اینجا نگاره و ارتباطش با اشعار فردوسی) است. علاوه بر آن به توضیح و استدلال روابطی که در پدیده‌ها وجود دارد می‌پردازد و تلاش می‌کند با تکیه بر ادبیات و مباحث نظری به تدوین گزاره‌ها و قضایای کلی در تحقیق بپردازد (حافظ نیا، ۱۳۸۷: ۵۹-۶۲) روش گردآوری داده‌ها با استفاده از کتب،

ریشه‌های آیین مانوی می‌پردازد. اذکایی سپیتمان (۱۳۸۰)، در پژوهشی با عنوان «نقد و معرفی کتاب مانی به روایت ابن ندیم»، به تحقیق و بررسی در زمینه مانی و آیین او به زبان ابن ندیم می‌پردازد. نادری (۱۳۹۰)، در مقاله‌ای با عنوان «شباهت اساطیر گنوستیک‌ها و مانویان با مرصاد العباد نجم‌الدین رازی»، به موضوع سفرهای نجم‌الدین رازی به آسیای صغیر، مصر و روم پرداخته زیرا که این مناطق به‌زعم تاریخ‌نگاران و پژوهشگران پایگاه و مولد آیین مانوی و گنوسی بوده است. چنگیز میرزا حسابی و کنگرانی (۱۳۸۷)، در پژوهشی با نام «مانی در آیین هنر و ادبیات ایرانی» به موضوع زندگی و مرگ مانی و نیز موضوع آیین او می‌پردازند که ناخودآگاه بر دیدگاه او تأثیر گذاشته است. سعیدی (۱۳۹۸)، در مقاله خود با عنوان «بازتاب آیین مانی در شاهنامه» به بررسی و مطالعه مانی و آیین او از منظر فردوسی پرداخته است و چیزی که در این مقاله بدان اشاره شده این است که منابع فردوسی برای شناخت مانی و آیین مانویت عمدتاً متون زرتشتی و ضد مانوی است بنابراین قضاوت فردوسی پیرامون این دین باستانی، سمت‌وسوی غرض‌ورزانه و گاه غلط به خود گرفته است. اسماعیل‌پور و مهرافروز (۱۳۹۲)، در مقاله‌ای با عنوان «بررسی آراء تاریخ‌یاقوبی در باب مانی و مانویت» به موضوع مانی و مانویت در مسائل و حوادث تاریخی و اجتماعی زمان مانی بر اساس آراء تاریخ‌یاقوبی پرداخته‌اند. تاریخ‌یاقوبی یکی از آثار تألیف شده در صدر اسلام است که بخش‌هایی از آن به موضوعات اجتماعی و تاریخی در دوره مانی اختصاص دارد. بهبهانی (۱۳۷۰)، در مقاله‌ای با عنوان «زندگی مانی و سیر گسترش مانویت» به زندگی مانی و نحوه رواج و گسترش آیین مانویت پرداخته است. اردستانی رستمی (۱۳۹۳)، در مقاله‌ای



مشخصات بارز هر الهامی آن است که در بر دارنده پیغامی است که آن پیغام در کتاب الهی وارد شده است، همچون کتب مقدس *قرآن*، *تورات* و *انجیل*. مانی دستورات دینی خود را در کتابی به نام *ارژنگ* جمع‌آوری نمود. کیش مانویت چون دیگر مکاتب گنوسی مدعی آوردن معرفت اساسی گنوس بوده و عاقبت کار انسان از ابتدا، میانه و سرانجام را هویدا می‌سازد. تفاوتی که وجود دارد این است که مانویت در شناخت تعقلی و استدلالی که به حصول مفاهیم منجر می‌شود، توسط قیاس و موضوعات ذهنی به نتیجه می‌رسد، اما گنوس صرف‌نظر از منطقی و حصول نتایج ذهنی و نظری آموزه‌های خود را در قالب اسطوره بیان می‌کند. پیروان گنوسی معتقدند که به وسیله روش‌های مرسوم علمی که ناگفتنی و وصف‌ناپذیر هستند نمی‌توان به کشف حقیقت نائل شد. رسیدن به حقیقت به وسیله مکاشفه و شهود ناشی از جذب و اشراق امکان‌پذیر است. فاعل یعنی کسی که می‌خواهد به شناخت دست یابد، در مفعول که همان حقیقت است می‌تواند روح بااستعداد را مسخر خود کند. پیام آیین مانی متکی بر دو «اصل» و سه «زمان» است. هر انسانی که تمایل به تشرف به این دین را دارد باید با دو اصل تاریکی و روشنایی آشنا شود و بتواند این دورا از هم تشخیص داده تا بتواند فرامین کیش مانی را به خوبی اجرا کند. دیگری موضوع سه زمان است که عبارت‌اند از: ۱. زمان پیشین، ۲. زمان میانی، و ۳. زمان پسین. زمان پیشین زمانی است که آسمان‌ها و زمین هنوز به وجود نیامده‌اند و فقط روشنی و تاریکی به صورت جدای از هم هستند. روشنی حکمت است و تاریکی، نادانی است. در همه جوانب این دو در مقابل هم قرار می‌گیرند. آدمی به وسیله ریاضت و طی طریق سلوک سعی بر آن دارد که از تاریکی و نادانی خارج شده و به سمت نور و روشنایی و حکمت حرکت کند (دکره، ۱۳۸۰: ۸۵-۹۵).

مانی و هنر نگارگری

هنر نگارگری در میان مانویان از بنیان‌گذار آن یعنی مانی، آغاز شد. کمتر ادیبانی تاکنون وجود داشته‌اند که مانند دین مانی به هنرهای زیبا اهمیت داده باشند. مانی نوعی خط خوشنویسی هم اختراع کرد و بعدها که کتاب‌های او را به فارسی و آسیای میانه ترجمه کردند، به این خط نوشتند. مانی هنرمندانه آثار خود را تذهیب می‌نمود. او آموزه‌های دینی خود را به شکل تصویر در کتابی با نام *ارژنگ* که گنجینه بزرگ تبلیغی و تربیتی بود جمع‌آوری نمود. در کتاب *ارژنگ* ارزشمندترین تعالیم جهان‌شناسی تصویرسازی شده است. ارژنگ احتمالاً همان

مجلات و بر اساس مطالعات تاریخی، فرهنگی و مذهبی است. «نمودار ۱» مراحل و گام‌های طی شده در مقاله را نشان می‌دهد.

گنوستیک و ثنویت و رابطه آن با مانویت

گنوس لغتی یونانی است که در اصل به معنی معرفت است و طریقه‌ای کاملاً عرفانی است. شمعون مغ^۶، مرقیون^۷، بازیلیدس^۸ و والتین^۹ پایه‌گذاران کیش گنوسی در سده‌های دوم و سوم بودند. آنها بیشتر از اینکه در پی پیامبری نوظهور باشند که بخواهد دنیا را از عدل و داد لبریز نماید، به دنبال تفکرات نوین دینی و عرفانی بوده و خود نیز از جمله روشنفکران دینی در آغاز مسیحیت بودند. اولین گنوسی یا عارف مسیحی شمعون مغ بود که از اهالی شو مرون و با حواریون مسیح معاصر بوده و خود را مالک «قدرت عظیم خداوند» یا «روح خداوند» می‌دانست. اعتقاد شمعونیان بر این بود که، خداوند نیروی یگانه‌ای است که به دو دنیای زیرین و زبرین تقسیم شده است. او خود را آفریده است و خود را پرورش می‌دهد. این هستی یکتا همیشه بوده و هست و خواهد بود (اسماعیل پور مطلق، ۱۳۸۱: ۷۸ و ۷۹). گنوست‌ها به جدایی کامل روح از جسم معتقد بودند. چون جهان ماده را سرشار از ناپاکی و پلیدی می‌دانستند که جایگاه و مقام الهی بالاتر از آن است که چنین آفریده ناپاکی را خلق کرده باشد آنها آفرینش جهان ماده را به خداوندی دیگر نسبت می‌دادند. که در دین یهود به او یهوه می‌گفتند (نادری، ۱۳۹۰: ۱۰۷). از سوی دیگر پایه و اساس کیش مانویت بر عرفان بنا نهاده شده بود. مانویت ریشه در کیش گنوسی داشت. مانی در جامعه‌ای مندایی^{۱۰} - گنوسی در سده سوم رشد نموده بود و در پی رواج آیین خود بود و تا اندازه‌ای در این مسیر به موفقیت دست یافت. ولی درنهایت و با گذشت زمان این موضوع را اثبات نمود که مانویت باور و اندیشه‌ای تازه است که ریشه‌ای تماماً عرفانی داشته است. باین حال طی چند قرن به شکل تفکر دینی گسترده‌ای به حیات خود ادامه داد اما شکست خورد و دوباره به شکل آموزه‌ای عرفانی به مسیر خود ادامه داد. بر طبق نظر مؤلف تاریخ جامع ادیان، بایر ناس^{۱۱} مانویت در قرن دوم میلادی به وجود آمد و به دنبال ایجاد رابطه منطقی میان دین و فلسفه بود که به وسیله مرقیونیه‌ها^{۱۲} و گنوست‌ها گسترش یافت. مانویان برخلاف آموزه‌های کلیسا به تفسیر و تأویل معتقد بودند و بُعد روحانیت و جسمانیت را از هم جدا می‌دانستند و از نوعی دو بن‌گری سخن به میان می‌آوردند، مشابه آنچه زرتشتیان بدان اعتقاد داشتند، آنها بر این عقیده بودند که، جهان هستی به وسیله دو نیروی خیر و شر و یا نور و ظلمت خلق شده است. یکی از

است در واقع نوعی رهایی نور و روشنایی بوده است. مانویان برای نشان دادن نور و روشنایی در آثار تذهیب خود از فلزات ارزشمندی چون طلا استفاده می نمودند (تجویدی، ۱۳۸۳: ۳۱-۳۲). مانویان به نقاشی نسبت به دیگر هنرها ارزش بیشتری قائل بودند. دوست محمد در این زمینه در دیباچه مرقع بهرام این گونه نوشته است: هنگامی که مردم از مانی درخواست معجزه نمودند او به غاری رفته و در آنجا مشغول به نقاشی شد پس از گذشت یک سال، هنری منقش و مصور که در آن جمله شمایل انسان‌ها، حیوانات، درختان، پرندگان و انواع صوری که در دیده عقل نمی توان آنها را تصور نمود و تنها در وهم و خیال ممکن است را عیان ساخت (مایل هروی، ۱۳۷۲: ۲۶۸).

شاهنامه بزرگ ایلخانی

نسخه تصویری شاهنامه ایلخانی یکی از قدیمی ترین شاهنامه‌ها است که در اواخر قرن هشتم هـ.ق نسخه برداری و ترسیم شد. این شاهنامه در اواخر حکومت سلطان ابوسعید ایلخانی و وزیرش خواجه غیاث‌الدین بین سال‌های ۷۳۱ تا ۷۳۶ در تبریز و زیر نظر احمد موسی و شاگردش مصورسازی شده است (خزایی، ۱۳۸۷: ۱۷). شاهنامه بزرگ ایلخانی از میراث ارزشمند تاریخی و هنری، در قطع بزرگ، ۲۹۴۱ سانتی متر، دارای ۳۱ سطر در ۶

Eikon^{۱۲} (تصویر) است و در کتب قبلی از آن نام برده شده است و بلافاصله بعد از هفت کتاب رسمی آئین مانی آورده شده است. اولین بار این مانویان بودند که تعالیم دینی خود را به گونه مصور درآوردند. به طور قطع مانی استعداد هنری بزرگی داشته است که او را مانی نگارگر می نامیدند. مانی در یکی از متون خود به این نکته اذعان می دارد که آنچه رسولان و برادرانم قبل از من به نوشتار نیاورده‌اند، اندیشه خود را آن گونه که من به تصویر کشیده‌ام، نتوانستند به تصویر بکشند. هنر مانویان به دلیل ارتباط نزدیک با بودائیان در آسیای مرکزی تأثیرات عمیقی از ویژگی‌های بودائی به خود گرفته است. متون چینی مانوی که از دون هوانگ به دست آمده‌اند بسیار تحت تأثیر ویژگی‌های هنر بودائی هستند. در نگاره‌های کشف شده از مانویان چهره‌ها کاملاً متأثر از هنر بودائی هستند (قائم، ۱۳۸۷: ۴۱ و ۴۲). با وجود اینکه مانویان یک سنت هنری بزرگ را در خاورمیانه پایه‌گذاری کردند اما از آثار هنری آن دوره چیز زیادی باقی نمانده است. فقط نمونه‌هایی از نگاره‌های آبرنگی و مینیاتورهایی از منطقه تورفان چین کشف شده است. هنر آبرنگ نگاره‌ها و مینیاتور مانویان از لحاظ تکنیک بسیار شبیه به هم هستند. نوعی دیگر از هنر مانویان، نگاره‌هایی هستند که بر روی پارچه ابریشمی کار شده‌اند که بیرق‌های معابد بودائی را یادآور می شوند. نگارگری اسلامی و تذهیب، در ایران و ترکستان باختری، تحت تأثیر شدید هنر مانوی بوده است. نگارگری ایلخانان که به نقاشی‌های تورفان چین شبیه هستند، در سنت هنری تیموریان ریشه دارند که مهم‌ترین مراکز آن هرات و سمرقند بود. (کلیم کایت، ۱۳۹۶: ۶۷ و ۷۱). هنرندان مانوی اصولاً به وسیله نقش مایه‌های قراردادی مفاهیم نمادین را نمایش می دادند. نگاره‌ها با رنگ‌های درخشان و خطوط هماهنگ و نقش‌های انتزاعی ساخته می شدند. رنگ‌های مورد استفاده در نگارگری مانویان، لاجوردی، نارنجی، سرخ، سبز و آبی روشن بود. معمولاً رنگ آبی، سرخ و یا سبزی یکدست را برای پس‌زمینه تصویر استفاده می کردند. برای اجرای طرح اولیه خطوط اصلی را با رنگ سیاه و یا قرمز بر روی صفحه‌ای صاف ترسیم می کردند، پس از آن درون شکل‌ها را به وسیله برگ زر یا رنگماده پوشش می دادند و در نهایت بخشی از قسمت‌های کار را قلم‌گیری می نمودند (پاکباز، ۱۳۹۳: ۴۶). از خصوصیات دیگر در کتب مانوی تذهیب‌کاری بوده که در حقیقت دنباله روش هنری و زیبایی‌شناسی مانی به شمار می آید. مانویان معتقد بودند که، هنر توجه انسان را به عوالم معنوی سوق می دهد. هنر تذهیب کتب عرفانی و مذهبی در میان مانویان گسترش داشته



تصویر ۱. انوشیروان غذایی را که پسران مهیود آوردند، می خورد؛ موزه متروپولیتن، منبع: URL

را در سن ۱۲ سالگی دریافت کرد، سپس در ۲۴ سالگی دومین مکاشفه به او رسید. همزاد یا همراه ایزدی او^{۱۶} در این زمان بر او ظاهر شد و معرفت نجات بخش گنوس را بر او عرضه کرد. ابتدا از او خواسته شد که در ظاهر بر کیش مغتسله باشد اما در درون آن را رها کند. در مکاشفه دوم از او خواسته شد که رسالت خود را آشکار نماید. همزاد ایزدی مانی از او خواسته بود تا ابتدا پیام خود را به خانواده اش عرضه کند و هنگامی که آنها پیام مانی را شنیدند شگفت زده شدند. در این دوره اختلافات با پیروان مغتسله شدت گرفته بود. مانی با احکام مغتسله که انجام غسل های روزانه و خوردن خوراکی های مخصوص بود مخالفت کرد. مانی معتقد بود که رسالتش با آنچه الخسائیوس^{۱۷} آورده، یکی است اما او تصمیم دارد که جامه ای نو بر تن آن کند. مانی خود را یکی از حواریون مسیح به شمار آورده بود و چندین بار به مسیح التجاء نموده بود. الخسائیوس مانی را متهم کردند که او احکام دین مسیح را رد کرده و غسل تعمید را که بر طبق آئین نیاکان آنهاست باطل می شمارد او در پاسخ بدان ها گفت: من احکام دین مسیح را رد نمی کنم. شما مرا در مورد نان گندم سرزنش می نمایید که به شما گفتم می توان آن را خورد در حالی که منجی نیز این کار را انجام می داد. در مورد غسل تعمید نیز نظر او با فرقه مغتسله متفاوت بود. مانی در غسل تعمید تطهیر روح را به جای تطهیر بدن مطرح نمود او معتقد بود که تطهیری که مسیح نیز از آن سخن رانده تطهیر از طریق شناخت گنوس است و شامل جدایی زندگی از مرگ و نیز نور از تاریکی می شود. در نهایت مانی به زیر پا نهادن دستورات الخسائیه و نیز احکام عیسی مسیح متهم شد. پس از آنکه مانی احکام خویش را بر مردم ظاهر کرد، عازم هند شد و در آنجا به تبلیغ دین خود پرداخت. پس از بازگشت از هند او را به دربار شاپور اول فراخواندند و به او اجازه دادند تا آیین خود را در نزد شاه تبلیغ نماید. با وجود اینکه مخالفت های زروانیان با مانی باعث تردید آمیز شدن دیدگاه شاپور نسبت به مانی شده بود ولی در زمان او چندین بار به مانی، اذن حضور به دربار شاه داده شده بود. با وجود مخالفت ها و دشمنی هایی که با مانی صورت گرفت او توانست تا مدتی به تبلیغ آئین خود بپردازد. هنگامی که جانشین شاپور، هرمز اول (۲۳۷-۲۷۴ م)، به پادشاهی رسید، مانی فرصت آن را یافت تا به سفرهای بزرگ تبلیغی خود بپردازد. در زمانی که بهرام اول در ۲۷۴ م به پادشاهی رسید به تعصب نگری موبدان زرتشتی دل سپرد. در تاریخ ۲۷۶ م مانی به بدعت گذاری در دین مورد اتهام قرار گرفت و زندانی شد پس از ۲۶ روز حبس به قتل رسید. در برخی روایات آمده است که

ستون و با خط نسخ نوشته شده است. این شاهنامه در کتابخانه کاخ گلستان محفوظ بود و در آشفتنی دربار محمد علی شاه از کتابخانه دربار به سرقت رفت و به دست ژرژ دموت^{۱۸} از دلان عتیقه پاریس افتاد. دموت برگه های آن را جدا نمود تا آنها را به شکل رقعه ای به فروش برساند. به دلیل فروش برگه های شاهنامه ایلخانی و پراکنده شدن آنها در نواحی مختلف، شمارش دقیق آنها امکان پذیر نیست اما احتمال می رود بین ۱۲۰ تا ۲۰۰ نگاره باشد که به وسیله چندین نگارگر به تصویر در آمده است. اکنون تعداد ۵۸ رقعه از این شاهنامه نفیس شناسایی شده است (عزیزی، مسرور، احمدی، ۱۳۹۸، ۳۴ و ۳۵).

نگاره های شاهنامه بزرگ ایلخانی (دموت) نقطه عطفی در نگارگری ایرانی است. در این نگاره ها تلفیقی از ویژگی های هنر ایرانی و بین النهرینی قبل از حمله مغول و همین طور سنن خاور دور دیده می شود. تأثیر پذیری از هنر خاور دور بیشتر در چهره ها، جامه های مغولی و چینی و نیز ادوات جنگی دیده می شود. در پرداختن به عناصری چون ابرها، درختان و صخره ها و نیز نقش مایه هایی مانند ققنوس و اژدها و ویژگی های نقاشی های چینی به چشم می خورد. استفاده از مناظر طبیعی که با رنگ های کم رنگ کشیده شده به سبک نقاشی چینی است در حالی که تصاویر اشخاص و البسه و عمارت ها که با رنگ های پر کشیده شده به سبک ایرانی است (دیماند، ۱۳۳۶: ۵۱). از ویژگی های دیگری که در نگاره های این شاهنامه دیده می شود به کارگیری رنگ های پر قدرت و ترکیب بندی قوی است که تا پیش از آن مانندش وجود نداشته است. حالت ابرهای پیچان و موج، حالت اسفنجی آب، وضوح پیکره حیوانات، نشان دادن تحرک و جنبش به جای سکون و آرامش، تنه پیچیده و پر از گره درختان، صخره ها و سنگ های تیز، برخی از ویژگی های نگاره های باشکوه و ارزشمند شاهنامه ایلخانی یا ابوسعیدی است (عزیزی، مسرور، احمدی، ۱۳۹۸: ۳۵ و ۳۶). «تصویر ۱» نمونه ای از شاهنامه بزرگ ایلخانی است که نحوه ترکیب بندی و کاربرد عناصر تصویر را نشان می دهد. نحوه تقسیم بندی فضا، روابط سطوح و نحوه حضور شخصیت ها از ویژگی های تصاویر این شاهنامه است.

سرگذشت مانی

در سال ۲۱۶ م، مانی در یک خانواده شهریاری از تبار اشکانیان به دنیا آمد. نام پدرش پتک بود او از بابل مهاجرت نمود و به فرقه مغتسله الخسائی^{۱۵} ملحق شد. مانی نیز از ۴ تا ۲۵ سالگی خود را در میان این فرقه سپری نمود. مانی اولین مکاشفه خود

کفالا^{۱۸} از زبان مانی چنین آمده است:

در واپسین سالیان اردشیر، به قصد تبلیغ به دیار بیگانه رخت کشیدم. با کشتی به سرزمین هندوان رفتم و درباره امید و زندگی به وعظ پرداختم و برگزیدگان نیک یافتم. اما در سالی که اردشیر مرد و پسرش شاپور شاه شد، او به دنبال من فرستاد. از سرزمین هندوان به پارسها سفر کردم، آنگاه به بابل و میشان و شوش. بر شاپور ظهور کردم. او مرا با احترام بسیار پذیرا شد و به من رخصت داد تا در نواحی او بگردم و کلام زندگی را وعظ کنم. من سالهای بعد را به همراهی او گذراندم، سالهای بسیار در پارس و پارت و آدیابنه و نواحی هم‌مرز با روم... (بهبهانی، ۱۳۷۷، ۱۶۳).

در فرازی دیگر در شعر فردوسی در شاهنامه، تقابل مانی با موبدان و شاه را روایت می‌کند و در پی تبلیغی که مانی از دین خود می‌کند و در یک مناظره در دربار شاه موبدان را فرامی‌خواند و مناظره‌ای بین آنان سر می‌گیرد که منجر به دستگیری و به زندان رفتن مانی می‌شود:

سخن گفت مرد گشاده‌زبان - جهاندار شد زان سخن بدگمان
سرش تیز شد موبدان را بخواند - ز مانی فراوان سخنها براند
کزین مرد چینی و چیره‌زبان - فتادستم از دین او در گمان
بگویند و هم زو سخن بشنوید - مگر خود به گفتار او بگروید
(فردوسی، URL3)

پس از این گفت‌وگو و مناظره و گفتمان به نظر می‌رسد این مناظره که منجر به محکومیت مانی شده بر سر یکتایی و دوبنی نگرش مانی بوده که فردوسی به آن اشاره می‌کند و اندیشه خود را به‌وضوح به رخ زرتشتی‌گری و مانویت می‌کشد:

بدوگفت‌کای مرد صورت پرست - به یزدان چرا آختی خیره‌دست
کسی کو بلند آسمان آفرید - بدو در مکان و زمان آفرید
کجا نورو ظلمت بدو اندرست - ز هر گوهری گوهرش برترست
شب و روز و گردان سپهر بلند - کزویت پناهست و زویت گزند
همه کرده کردگارست و بس - جزو کرد نتواند این کرده کس
به برهان صورت چرا بگروی - همی پند دین‌آوران نشنوی
همه جفت و هم‌تا و یزدان یکبست - جز از بندگی کردنت رای نیست
گرین صورت کرده جنبان کنی - سزد گر ز جنبده برهان کنی
ندانی که برهان نیاید به کار - ندارد کسی این سخن استوار
اگر اهرمن جفت یزدان بدی - شب تیره چون روز خندان بدی
(فردوسی، ۱۳۸۰، ۱۵۰۲-۱۵۰۳)

او را به صلیب کشیدند اما بعید به نظر می‌رسد شاید به دلیل اینکه رنج و سختی او را به مسیح تشبیه می‌کردند. در نوشته‌هایی که از تورفان کشف شده است چنین برمی‌آید در روزهای آخر زندگی مانی شاگردان وفادار او آخرین احکام مربوط به آئین او را دریافت کرده و مسیر تبلیغی او را ادامه دادند (یواخیم کلیم کایت، ۱۳۹۶: ۳۶-۴۰). بر اساس گفته یکی از پژوهشگران، در جلسه مناظره، مانی و پیروانش نتوانستند برهانی واقعی و منطقی به عنوان شاهدی دنیوی ارائه کنند به همین دلیل در مناظره با موبدان خود را باخته و نتوانستند موجودیت آئین خود را اثبات نمایند و در نهایت بر اساس روایت شاهنامه، شاپور دوم و نیز بر طبق پژوهش‌های تاریخی، بهرام اول دستور کشتن مانی را صادر نمود (نحوی و غفوری، ۱۳۸۹، ۱۸۳).

حضور مانی در شاهنامه

در شاهنامه فردوسی در دو جا نام مانی آمده است. یکی در بیت مربوط به داستان هفت‌خان اسفندیار:

چو بیدار گردی جهان را ببین - که دیباست گر نقش مانی به چین
(فردوسی، ۱۳۷۹، ج ۳، ۱۱۱۷)

که در اینجا ترکیب اضافی «نقش مانی» نقاشی‌های مانی است نه مانی به عنوان پیامبر. مورد دیگر اشاره مستقیم به مانی و موضع‌گیری نسبت به تفکر مانی است که در زمان پادشاهی شاپور ذوالاکتاف آمده است:

ز شاهیش بگذشت پنجاه سال - که اندر زمانه نبودش همال
بیامد یکی مرد گویا ز چین - که چون او مصور نبیند زمین
بدان چوبدستی رسیده به کام - یکی بر منش مرد مانی به نام
به صورتگری گفت پیغمبرم - ز دین آوران جهان برترم
ز چین نزد شاپور شد بارخواست - به پیغمبری شاه را یارخواست
(فردوسی، URL2)

چنین می‌نماید که مانی مردی چیره‌دست در سخنوری و نقاشی بوده است و در زمان شاپور ذوالاکتاف به دربار شاه آمده است. قابل ذکر است که در منابع تاریخی شاپور ذوالاکتاف شاپور دوم است که در تاریخ ۳۰۹ تا ۳۷۹ م می‌زیسته و با تاریخ زیست مانی (۲۱۶ م.) نزدیک به یک قرن تفاوت دارد. بنابراین می‌توان پذیرفت که حضور مانی در دربار شاپور اول (فرمانروایی ۲۴۰ م.) فرزند اردشیر اتفاق افتاده است.

درباره حضور مانی در دربار شاپور در متن پانزدهم کتاب

و موضوع انتصاب اردشیر به عنوان ولیعهدی را بیان می‌دارد. داستان با این بیت شروع می‌شود:

فراوان سخنها دگر نیز گفت که با دانش و بخردی بود جفت

لازم است در خصوص اشعار درج شده در نگاره مطالبی گفته شود. اول اینکه خوشنویس در انتخاب اشعار و جایگزینی آنها در صفحه مختار بوده و اشعار را آن گونه که خود یا سفارش دهنده خواسته نظم و ترتیب داده است، دوم اینکه در برخی ابیات تغییراتی دیده می‌شود که در برابری با نسخه‌های دیگر این تغییرات مشهود است. برای مثال بیت اول صفحه که در بالا اشاره شد در کتاب شاهنامه فردوسی به تصحیح مصطفی سیفی کار جیحونی بجای مصرع اول بیت اول که نوشته شده «فراوان سخنها دگر نیز گفت» نوشته شده «سخنها جزین نیز بسیار گفت»؛ بنابراین مطابقت شعر در متن داستان در نگاره با منابع موجود دشوار است اما تغییر فاحشی در پیام شعر ایجاد نمی‌کند.

کادری که ابیات در آن قرار گرفته‌اند در انتها تصویر را به سه بخش تقسیم نموده است. عناصر و اجزاء تصویر به صورت زوج

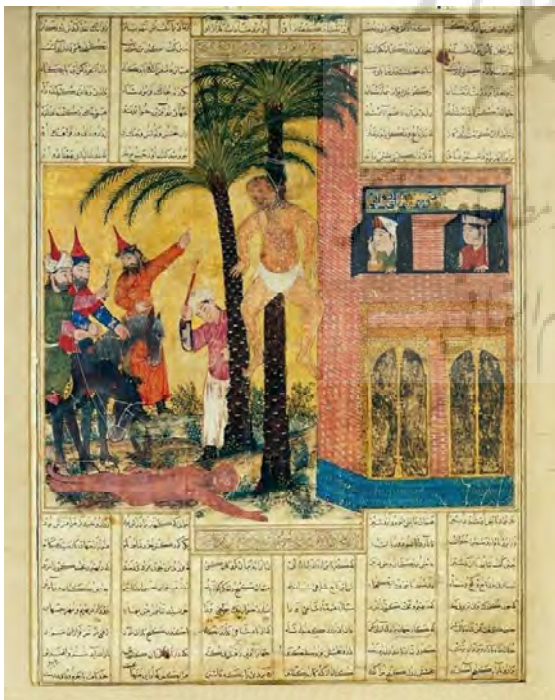
در این چند بیت به خوبی نشان داده شده است که چگونه فردوسی تقابل یکتاپرستی برابر ثنویت انگاری را به نمایش می‌گذارد در این ابیات از نور و ظلمت، شب تیره و روز خندان، جفت بودن انسان و یگانگی پروردگار، پناه و گزند و اهریمن و یزدان سخن به میان آمده که اشاره به دوین نگری در کیش گنوسی و به تبع آن آئین مانویت دارد. اما این متضادها صورت‌هایی هستند در ید قدرت یزدان و همه کرده کردگارست و بس. پس از جلسه مناظره و در نهایت دستور به دار آویختن مانی صادر شد.

نگاره به دار آویختن مانی

دو نگاره با موضوع مانی، که یکی نگاره‌ای از خمسه نظامی که مربوط به دوره قراقویونلوها است که اکنون در موزه توپکاپی ترکیه محفوظ است. دیگری نگاره‌ای از شاهنامه فردوسی که به شاهنامه ابوسعیدی یا دموت مشهور است و مربوط به مکتب ایلخانان تبریز و قرن ۸ هـ. ق است. این نگاره لحظه به دار کشیدن مانی را نشان می‌دهد و اکنون در موزه رضا عباسی در تهران نگهداری می‌شود (تصویر ۲). در مورد مانی و مرگ او روایت‌های بسیاری وجود دارد. ابومنصور ثعالبی روایت می‌نماید که، بدن مانی را پوست کنند و پوست او را از کاه پر نمودند و به دروازه شهر آویزان کردند. به روایت ابن ندیم، بدن او را دو نیم کرده و بر دروازه جندی شاپور بر صلیب بستند. اما طبق منابع مانوی سر او را جدا و بر دروازه شهر آویزان نمودند. روایت اول مورد پذیرش فردوسی بوده است. این روایت در دو بخش مربوط به پادشاهی شاپور ذوالاکتاف سروده شده است. که لحظه مرگ و به دار کشیدن او را توصیف نموده است.

بفرمود پس تاش برداشتند به خواری ز درگاه بگذاشتند
چو آشوب و آرام گیتی از اوست بیاید کشیدن سراپای پوست
بیاویختند بر در شارسستان دگر پیش دیوار بیمارستان
همان پوستش آکنده باید به کاه بدان تا نجوید کس این پایگاه
(فردوسی، ۱۳۷۷، ۱۵۰۳)

نگارگر صحنه به دار آویختن مانی را بر اساس داستان شاهنامه یعنی همان روایت اول به تصویر در آورده است. در نگاره مربوط به شاهنامه دموت، در قسمت فوقانی تصویر درون کتیبه‌ای با خط نسخ و به رنگ طلایی جمله‌ای نوشته شده: "صورت مانی نقاش بر درخت آویخته شده است". ۳۱ بیت در بخش بالا و پایین نگاره نوشته شده است. ابیات پایین تصویر و ۴ بیت در انتهای بخش بالای داستان به موضوع مانی مربوط نیست



تصویر ۲. نگاره به دار آویختن مانی، برگی از شاهنامه بزرگ ایلخانی، اندازه ۳۷۷ در ۵۲۰. خط نسخ، به شماره ۲۵۳۰ مکتب مغول سده هشتم هـ. ق، تبریز، شریف‌زاده، سید عبدالمجید، نامورنامه، ۲۷۴.

که از شاخصه‌های نگاره‌های شاهنامه دموست است (چنگیز میرزا حسابی و کنگرانی، ۱۳۸۷: ۳۰-۳۳). در بین دو ردیف اشعار بالا بیتی نوشته شده که با فراست انتخاب شده و روزگار مانی را به هنگام به دار آویخته شدن نشان می‌دهد (تصویر ۲):

فروماند مانی ز گفتار او بیژمرد شاداب بازار او

بازنمایی شعر فردوسی در نگاره به دار آویختن مانی

فردوسی تلاش می‌نماید داستان دعوت مانی به دربار شاپور و مناظره وی با موبدان و سپس به زندان افتادن و به دار آویختن وی را - به دلیل ثنویت‌انگاری - در قالب شعر بیان نماید. اما آنچه نقاش به تصویر می‌کشد با توجه به اینکه امکان تسلسل رخدادها در یک صفحه نقاشی امکان‌پذیر نیست گزینه‌ای از عناصر و شخصیت‌ها را در یک ترکیب‌بندی متهورانه به نمایش بگذارد. همان‌طور که در بالا اشاره شد نقاش همه عناصر و شخصیت‌ها را دوتایی ترسیم نموده است. دشوار است بتوان حدس زد که چرا عناصر بکار رفته در نقاشی دوتایی است اما می‌توان گفت در به تصویر درآوردن موضوع داستان به‌خوبی از عهده آن برآمده، با کنار هم قرار دادن عناصر و پیکره‌ها صحنه را کاملاً مهیای به دار آویختن مانی نموده است. زنان و مردان ناظر به دار آویختن مانی هستند و حضور دوبه‌دوی پیکره‌ها برای نشان دادن کثرت جمعیت به نظر مؤثر افتاده است. این شکنجه و اعدام بدون حضور مردم عامه صورت گرفته به همین خاطر از مردم عادی خبری نیست. از سوی دیگر پیکره بیجان مانی روی زمین افتاده و همچنین پیکره پر از کاه نیز آویزان به نخل است. انتخاب دو پیکر، یکی پیکری که پوست پر از کاه و دیگری بدن بدون پوست است به طرز شگفت‌آوری تأثیر برانگیز است. در ادامه ویژگی زوج‌نمایی عناصر در «جدول ۱» نشان داده می‌شود.

نتیجه‌گیری

شاهنامه‌نگاری از جمله فعالیت‌های هنرمندان نگارگر ایرانی است که در طول قرون اسلامی تا کنون مورد توجه بوده است. نگارگران با پرداختن به موضوعات و مضامین مختلف شاهنامه اشعار فردوسی را در حوزه نگارگری بازخوانی و به تصویر کشیده‌اند. یکی از این نگاره‌ها که در شاهنامه بزرگ ایلخانی (دموت) نقاشی شده به دار آویختن مانی است. مانی، با آوردن دین مانویت مورد مخالفت شدید با مذهب پیروان زمان خود قرار گرفت و به دلیل اینکه او را مخالف با ادیان پیش از خود تصور می‌کردند توسط

به نمایش درآمده‌اند: دو درخت، دو پنجره، دو در، دو پیکر برای مانی، دو اسب، دو سوار، دو پیاده و دو شاهد از پنجره به بیرون نگاه می‌کنند. در میانه تصویر حادثه به دار کشیدن مانی نشان داده شده است. دو درخت نخل در وسط تصویر قرار دارند که از ویژگی‌های مناطق گرمسیری است که نگارگر به وسیله نمایش آنها سعی داشته که به منطقه جغرافیایی که حادثه در آن به وقوع پیوسته اشاره کند. بر اساس روایت، حادثه به بند کشیدن مانی در شهر جندی‌شاپور اتفاق افتاده است. بر بالای درخت مانی به صورت عریان، که تنها با پارچه‌ای سفید میان تنه‌اش پوشیده شده، نشان داده می‌شود که با طنابی از گردن آویخته شده است. بنا بر روایتی که با این تصویر مطابقت دارد پیکر آویخته شده بر درخت پوست مانی است که با کاه پر شده است و دیگری که بر روی زمین است پیکر پوست‌کنده شده مانی است که با رنگی سرخ‌تر نشان داده شده و اجزاء صورت و بدن او کاملاً قابل تشخیص نیست. در سمت چپ تصویر دو نفر سوار بر اسب و دو پیاده وجود دارد. یکی از سواران با جامه‌ای سبزرنگ که نوع دستار او نیز با دیگران متفاوت است و چیزی شبیه چوبدست تعلیمی در دست دارد و به وسیله آن به جسد اشاره می‌نماید و گویی بدین شکل قدرت‌نمایی می‌کند و به نظر می‌رسد موبدی زرتشتی یا مقامی بالا است. پیکره‌ای که لباسی قرمز به تن دارد و در کنار سواران ایستاده است و به جسد آویزان اشاره می‌کند، به احتمال زیاد جزو سربازان و محافظان بوده و در حال گزارش واقعه به سواران است. شخص دیگری در کنار درخت ایستاده و ترکه‌ای در دست دارد و به جسد بر روی زمین افتاده مانی شلاق می‌زند. چهره‌ها در تصویر، چه مرد و چه زن، صورت‌های گرد، چشمانی بادامی و نوع پوشش آنها، شبیه به سبک مغولی هستند. یک بنای آجری در سمت راست تصویر دیده می‌شود که دو در قوسی شکل و دو پنجره دارد. بر اساس روایت داستان، بنای بیمارستان است. در قسمت فوقانی ساختمان، کتیبه‌ای با کاشی‌های لاجورد وجود دارد که به خط کوفی نوشته شده و به دلیل تخریب این بخش از تصویر متن کتیبه مشخص نیست. در پایین بنا یک ردیف از کاشی‌های آبی‌رنگ که با نقوش تزئینی اسلیمی تکرار شونده مزین شده، دیده می‌شوند. از پنجره‌های بنا، دو زن نظاره‌گر ماجرا هستند و یکی از آنها انگشت به دندان گرفته و متحیر است. به نظر عده‌ای از محققان ویژگی‌های این بنا مختص دوره مغول ایلخانی است. اما برخی دیگر معتقدند ویژگی‌های معماری ساسانی را در این بنا بیشتر می‌توان مشاهده نمود. در پس‌زمینه تصویر، آسمان به رنگ طلایی دیده می‌شود

11. John Bair Nas

۱۲. Marcionism یا مرقیون‌گرایی یا مارکیونیت‌ها گروهی از مسیحیان اولیه با اندیشه‌های نزدیک به مانوی‌گرایی بودند که مرکز فعالیت آنها خراسان بوده است.

۱۳. ارژنگ احتمالاً همان Eiken است که در کتب قبطی بدان اشاره شده است و نام آن بعد از هفت کتاب دینی و رسمی مانویان ذکر شده است (مواعظ ۲۵). از کتاب مواعظ (ص ۱۸) این‌گونه برداشت می‌شود که این تصویر شامل چند نگاره بوده و به نظر می‌رسد احتمالاً مانی با اشاره به پیش‌بینی زمان شکنجه خود این‌گونه بیان می‌دارد: بر نگاره‌های نگارنامه خود می‌گیرم (یوآخیم کلیم کایت ص ۶۲).

14. Georges Demotte

۱۵. همان صابین قدیمند که به نام ماندایی نیز نامیده می‌شوند و ابن ندیم گوید: این فرقه جماعت کثیری بوده‌اند که در نواحی بطایح ساکن بودند و هنوز عده کمی از این فرقه وجود دارند و به دلیل اینکه هر خوردنی را قبل از خوردن غسل می‌دهند به آنها مغتسله می‌گویند (لغت نامه دهخدا).

۱۶. Syzygos فارسی میانه Narjamng

17. Al- Khasaios

۱۸. از نوشته‌های مانویان به زبان قبطی است که در مصر کشف شده است و پولوتسکی و بولیک آن را ویراسته و به آلمانی ترجمه کرده‌اند.

فهرست منابع

اذکایی (سپستان)، پرویز (۱۳۸۰)، نقد و معرفی کتاب مانی به روایت ابن ندیم، *آینه میراث*، شماره ۱۳، ۴۲ تا ۴۴.

اردستانی رستمی، حمیدرضا (۱۳۹۳)، مانی شاهنامه زروانیست، *پژوهشنامه ادب حماسی*، شماره ۱۸، ۱۱ تا ۴۲.

اسماعیل‌پور، ابوالقاسم (۱۳۸۱)، کیش گنوسی و عرفان مانوی، *نامه مفید*، شماره ۳۰، ۷۷ تا ۹۶.

اسماعیل‌پور، ابوالقاسم، مهرفروز، ناهید (۱۳۹۲)، بررسی آراء تاریخ یعقوبی در باب مانی و مانویت، *تاریخ ادبیات*، شماره ۷۳، ۲۱ تا ۳۶.

بهبهانی، امید (۱۳۷۰)، زندگی مانی و سیر گسترش مانویت، *چیستا*، شماره ۷۶ و ۷۷، ۷۶ تا ۷۷۴.

بهبهانی، امید (۱۳۷۷)، مانی در شاهنامه فردوسی، *فرهنگ*، شماره ۲۵-۲۶، صص ۱۵۵-۱۷۱.

بهبهانی، امید (۱۳۸۴)، *در شناخت آیین مانی*، چاپ اول، تهران: بندهش.

پاکباز، روین (۱۳۹۳)، *تقاسمی ایرانی از دیرباز تا امروز*، چاپ دوازدهم، تهران: نشر زرین و سیمین.

تجویدی، اکبر (۱۳۸۳)، *نگاهی به هنر نقاشی ایران (از آغاز تا قرن دهم هجری)*، چاپ دوم، تهران: نشر فرهنگ و ارشاد اسلامی.

چنگیز میرزا حسایی، جعفر، کنگرانی، منیژه (۱۳۸۷)، مانی در آینه هنر و ادبیات ایرانی، *پژوهشنامه علوم انسانی*، شماره ۵۸، ۲۳ تا ۳۶.

حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۷)، *مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی*، چاپ یازدهم، تهران: نشر سمت.

خزانی، محمد (۱۳۸۷)، *مهم‌ترین شاهکار نگارگری دوره ایلخانی، کتاب*

موبدان زرتشتی به بدعت‌گذاری در دین محکوم شد. بر اساس روایت فردوسی در شاهنامه، پوست از بدن او جدا کرده و پر از کاه نمودند، و پوست پر از کاه او را بر درخت آویزان نمودند.

در شاهنامه اشاره به شب و روز، نور و ظلمت، اهریمن و یزدان، غم و شادی، پژمردگی و شادابی، پناه و گزند و آشوب و آرام می‌کند. نگرش فردوسی بدون شک مبتنی بر یکتاپرستی است و استفاده از واژگان متضاد در جهت تقابلی است که با نگرش مانوی دارد. از سوی دیگر نقاش نیز عناصری که در نگاره شاهنامه

بزرگ ایلخانی به تصویر کشیده به صورت دوتایی آورده است. دو پیکره از مانی یکی به دار و یکی به خاک، دو پرستار در پنجره، دو درخت نخل، دو سواره و دو پیاده از مقامات. به نظر می‌رسد مناظره مانی با موبدان و به دار آویختن وی اختلاف نظری بوده که میان شاه و موبدان از یک‌سو و مانی از سوی دیگر در مناظره صورت گرفته است. در این میان در شاهنامه، فردوسی از موضع

یکتاپرستی و برخلاف تمام نگرش‌های دوئیت‌گرا موضع خود را بر یکتاپرستی گذاشته و شرح روایت به دار آویختن مانی را به شعر می‌سراید. در این میان از آنجاکه نگارگر تلاش نموده تا تصویری از این اعدام را نشان دهد، سعی نموده به شعر وفادار

بماند. بر این اساس فردوسی روایت خود را از واقعه تاریخی داشته است ولی نگارگر صرفاً بازنمایی از شعر فردوسی را انجام داده است.

پی‌نوشت

۱. موبد بلند پایه زرتشتی در زمان ساسانیان و پادشاهی هفت شاهنشاه ساسانی به ترتیب اردشیر بابکان، شاپور یکم، هرمز یکم، بهرام یکم، بهرام دوم، بهرام سوم و نرسه می‌زیست.

۲. رئیس فرقه ای از ثنوی که به نام او به مرقیونیه موسومند (لغت نامه دهخدا).

3. Nous

4. Gnousis

۵. به دلیل اینکه این شاهنامه در دوره ایلخانی و در زمان پادشاهی سلطان ابوسعید بهادرخان، آخرین ایلخان قدرتمند مغولان تصویر شده است به نام‌های شاهنامه ابوسعیدی و بهادری نیز شناخته می‌شود و از طرفی به علت اینکه در ربع رشیدی کار شده است به نام شاهنامه رشیدی نیز نامیده شده است.

حمدالله مستوفی یکی از صاحب‌منصبان و از خاندان مستوفیان قزوین در اواخر عهد ایلخانی بود در نزد رشیدالدین فضل‌الله همدانی تقرب داشت و به شغل دبیری و دیوانی مشغول بود و به نظر می‌رسد در نگارش و تدوین شاهنامه ایلخانی دست داشته است و به همین دلیل این شاهنامه با نام شاهنامه مستوفی نیز شناخته شده است (URL: <https://nasnews.ir/print/23664>)

6. Simon the Magus

7. Marcion

8. Basilides

9. Valentinus

۱۰. مذهب مردمی صنعتگر و هنرمند ساکن جلگه خوزستان و حاشیه رود کارون است که در قرآن از آنان به صابین نام برده شده است (لغت‌نامه دهخدا).

- ماه هنر، شماره ۱۲۶، صص ۱۴-۱۹.
- درویشی، سپیده، بختیاری، آرمان (۱۳۹۴)، بررسی تطبیقی شعر فردوسی درباره مرگ مانی (با روایت‌های مانوی و متن‌های تورفانی)، دهمین گردهمایی انجمن ترویج زبان و ادب فارسی/ایران، ۵۰۴ تا ۵۱۵.
- دکره، فرانسوا (۱۳۸۰)، مانی و سنت مانوی، ترجمه عباس باقری، تهران: نشر فرزانه روز.
- دیمانند، موریس اسون (۱۳۳۶)، راهنمای صنایع اسلامی، عبدالله فریار، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- سعیدی، عباس (۱۳۹۸)، بازتاب آیین مانی در شاهنامه فردوسی، پاز، شماره ۳۳، ۱۱۷ تا ۱۳۶.
- عزیزی یوسف کند، علیرضا، مسرور، شیلان، احمدی، مانا (۱۳۹۸)، بررسی شاخصه‌های نگارگری مکتب تبریز ایلخانی با تأکید بر شاهنامه دموت، پژوهش در هنر و علوم انسانی، شماره ۱۸، از ۳۱ تا ۴۰.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۷۹)، شاهنامه، تصحیح مصطفی سیفی کار جیحونی، چاپ سوم، اصفهان: نشر شاهنامه‌سپژوهی.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۸۰)، شاهنامه، تصحیح مصطفی سیفی کار جیحونی، چاپ سوم، تهران: نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- قائم، گیسو (۱۳۸۷)، مانی و تأثیر او بر هنر دوره خود، صغه، دوره هفتم، شماره ۱ و ۲، ۲۹ تا ۵۰.
- مایل هروی، نجیب (۱۳۷۲)، کتاب آرایه در تمدن اسلامی، قم: نشر آستان قدس رضوی.
- نادری، سیامک (۱۳۹۰)، شباهت اساطیر گنوستیک‌ها و مانویان با مرصادالعباد نجم الدین رازی، پژوهشنامه ادب حماسی، شماره ۱۱، ۱۰۵ تا ۱۴۰.
- نحوی، اکبر، غفوری، رضا (۱۳۸۹)، نابرابری سرگذشت مانی در شاهنامه فردوسی با پژوهش‌های تاریخی، شعر پژوهشی، شماره ۳، ۱۷۳ تا ۱۸۴.
- یوآخیم کلیم کایت، هانس (۱۳۹۶)، هنر مانوی، تهران: نشر هیرمند، ترجمه ابوالقاسم پورمطلق.

URL1 <https://www.metmuseum.org/art/collection/search/jhvd0> (تاریخ دسترسی ۱۴۰۳/۲/۱۰)

URL2 <https://ganjooor.net/ferdousi/shahname/zolaktaf/sh15> (تاریخ دسترسی ۱۴۰۳/۳/۱۰)

URL3 <https://ganjooor.net/ferdousi/shahname/zolaktaf/sh15> (تاریخ دسترسی ۱۴۰۳/۳/۱۰)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی